

Designing a Tax Collection Model Based on Tax Justice in the Country with an E-Government Approach

Vahid Abrishami

PhD student, Department of Public Administration, Ct.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mandan Momeni *

Assistant Professor, Department of Public Administration, Ct.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Vahid Araei

Assistant Professor, Department of Public Administration and Public Policy, Ct.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mohammad Reza Rabiei Mandejin

Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management, Ct.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The present study evaluates the validity and reliability of the research model in designing a tax collection framework based on tax justice within the context of e-government. The main objective is to examine the credibility of the measurement instruments and assess the structural performance of the model in measuring the relationships among different variables. In this regard, convergent validity and reliability of the variables were evaluated. Overall, the results indicate that the instruments used in this study possess high credibility, ensuring the trustworthiness of the measurements. Furthermore, the discriminant validity of the model was assessed using the Fornell-Larcker criterion and the HTMT index. According to the Fornell-Larcker criterion, a construct should have a stronger correlation with itself than with other constructs. The analysis of the Fornell-Larcker matrix confirmed that the correlation values of each construct with itself on the main diagonal were higher than those with other constructs, thus supporting appropriate discriminant validity. Additionally, the HTMT criterion—recommended for more complex models and cases with overlapping factor loadings—showed that the HTMT values for all construct pairs were below 0.9. This finding indicates that the constructs are effectively distinguished from one another, with no unnecessary correlations. The overall conclusion of the study demonstrates that the research model enjoys satisfactory validity and reliability, and that the employed measurement tools are highly credible. Moreover, the model effectively explains the relationships among variables, with the structural model fit indices showing strong predictive power and a good overall fit. Therefore, the proposed research model is suitable for hypothesis testing and further analyses. In the final part of the study, recommendations are provided to improve the efficiency of the tax system and achieve tax justice. These include strengthening cooperation and data exchange among different governmental bodies through the design of integrated information systems, enabling smooth and rapid transfer of tax-related data across institutions. Such measures can enhance inter-agency coordination, reduce errors and disruptions in information processing, and ultimately improve transparency and reduce corruption. It is also recommended that tax systems be developed based on modern technologies, allowing taxpayers to perform all tax-related activities online in a simple and transparent manner, while ensuring the security of their information.

Keywords: Tax justice, E-government, Inter-agency cooperation, Transparency, Corruption, Tax system

How to Cite: Abrishami, V. , Momeni, M. , Araei, V. and Rabiei Mandejin, M. R. (2025). Designing a Tax Collection Model Based on Tax Justice in the Country with an E-Government Approach. Journal of Intelligent Strategic Management .4(3), 443-476.

doi: bumara.3.2.1123.365.28840



Intelligent Strategic Management (JISM) in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors

* Corresponding Author : Man.momeni@iauctb.ac.ir

Original Research

Received: 2025/04/11

Review: 2025/05/08

Accepted: 2025/09/02

eISSN: 2891-4128

طراحی الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی در کشور با رویکرد دولت الکترونیک

وحید ابریشمی

دانشجو دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ماندان مومنی*

استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

وحید آرای

استادیار گروه مدیریت دولتی و خط مشی گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمد رضا ربیعی مندجین

استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر به ارزیابی رویایی و پایداری مدل تحقیقاتی در زمینه طراحی الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک پرداخته است. هدف این تحقیق، بررسی اعتبار ابزارهای اندازه‌گیری مدل و ارزیابی عملکرد ساختاری آن در سنجش ارتباطات میان متغیرهای مختلف است. در این راستا، به ارزیابی رویی همگرا و پایداری متغیرها پرداخته شد. این نتایج به‌طور کلی نشان‌دهنده این است که ابزارهای مورد استفاده در پژوهش از اعتبار بالایی برخوردارند و می‌توان به اعتبار اندازه‌گیری‌ها اطمینان کرد. در ادامه، رویایی و اگرایی مدل با استفاده از روش فورنل و لاکر و معیار HTMT مورد بررسی قرار گرفت. روش فورنل و لاکر بیان می‌کند که یک سازه باید همبستگی بیشتری با خود نسبت به سایر سازه‌ها داشته باشد. تحلیل ماتریس فورنل و لاکر نشان داد که مقادیر همبستگی هر سازه با خودش در قطر اصلی ماتریس بیشتر از مقادیر همبستگی با سازه‌های دیگر بوده و این امر تأیید‌کننده رویایی و اگرایی مناسب است. همچنین، استفاده از معیار HTMT که برای مدل‌های پیچیده‌تر و شرایط همپوشانی بارهای عاملی پیشنهاد شده، نشان داد که مقادیر HTMT برای تمامی جفت سازه‌ها کمتر از ۰.۹ است. این امر حاکی از آن است که سازه‌ها به‌طور مؤثری از یکدیگر تمایز یافته‌اند و هیچ کدام از آن‌ها همبستگی غیرضروری با سایر سازه‌ها ندارند. نتیجه‌گیری کلی تحقیق نشان می‌دهد که مدل پژوهش از رویایی و پایداری مناسبی برخوردار است و ابزارهای اندازه‌گیری به‌کار رفته در تحقیق اعتبار بالایی دارند. علاوه بر این، مدل قادر به تبیین روابط میان متغیرها به‌طور مؤثر است و شاخص‌های برازش مدل ساختاری نشان‌دهنده برازش مناسب و قدرت پیش‌بینی قوی مدل است. بنابراین، مدل تحقیقاتی برای آزمون فرضیات و تحلیل‌های بعدی قابل استفاده است. در بخش پایانی تحقیق، به منظور بهبود کارایی سیستم مالیاتی و تحقق عدالت مالیاتی، پیشنهاداتی برای تقویت همکاری و تبادل داده‌ها بین دستگاه‌های دولتی مختلف ارائه شده است. پیشنهادها شامل طراحی سیستم‌های یکپارچه اطلاعاتی است که بتواند اطلاعات مالیاتی را به‌راحتی و سریعاً بین دستگاه‌های مختلف منتقل کند. این اقدام می‌تواند به افزایش هماهنگی بین نهادهای دولتی، کاهش اشتباهات و اختلالات در پردازش اطلاعات و در نهایت به بهبود شفافیت و کاهش فساد کمک کند. همچنین، توصیه می‌شود که سیستم‌های مالیاتی مبتنی بر فناوری‌های نوین طراحی شوند تا مودیان بتوانند تمامی امور مالیاتی خود را به‌صورت آنلاین، شفاف و ساده انجام دهند و در عین حال از امنیت اطلاعات خود اطمینان حاصل کنند.

کلیدواژه‌ها: عدالت مالیاتی، دولت الکترونیک، همکاری بین دستگاه‌های دولتی، شفافیت، فساد، سیستم مالیاتی

استناد به این مقاله: ابریشمی، وحید و مومنی، ماندان و آرای، وحید و ربیعی مندجین، محمد رضا. (۱۴۰۴). طراحی الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی در کشور با رویکرد دولت الکترونیک. مدیریت استراتژیک هوشمند، ۴(۳)، ۴۷۶-۴۴۳.



مدیریت استراتژیک هوشمند (JISM) در توسعه و تکامل تحت مجوز بین‌المللی کریتیو کامنز با شرایط انتساب-غیرتجاری ۴.۰ منتشر می‌شود.

©نویسندگان

* نویسنده مسئول: Man.momeni@iauctb.ac.ir

مقدمه

طراحی الگوی خط‌مشی بهبود نظام مالیاتی کشور در دولت الکترونیک ضروری است زیرا این امر به بهبود کارآیی و بهره‌وری نظام مالیاتی منجر می‌شود. در شرایط فعلی، بسیاری از فرآیندهای مالیاتی پیچیده و زمان‌بر هستند که این موضوع نه تنها برای مودیان بلکه برای دولت نیز مشکلاتی ایجاد می‌کند. با طراحی و پیاده‌سازی الگوی خط‌مشی بهبود، می‌توان این فرآیندها را ساده‌تر و سریع‌تر کرد. این اقدام باعث کاهش بروکراسی، افزایش سرعت در پردازش اطلاعات و در نهایت کاهش هزینه‌های اجرایی برای دولت و مودیان می‌شود. همچنین، افزایش شفافیت و کاهش فساد یکی از دلایل مهم برای ضرورت طراحی این الگو است. نظام مالیاتی که به صورت الکترونیکی و شفاف عمل کند، امکان دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز را فراهم می‌سازد. این شفافیت باعث کاهش فرصت‌های فساد و تخلفات مالیاتی می‌شود و اعتماد عمومی را نسبت به سیستم مالیاتی و دولت افزایش می‌دهد. با کاهش تعاملات مستقیم بین مودیان و کارکنان مالیاتی، خطر سوءاستفاده‌ها نیز به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد.

نهایتاً، طراحی الگوی خط‌مشی بهبود نظام مالیاتی در دولت الکترونیک، تجربه کاربری مودیان را بهبود می‌بخشد. با استفاده از فناوری‌های نوین مانند پورتال‌های آنلاین و اپلیکیشن‌های موبایل، مودیان مالیاتی می‌توانند به سادگی و با سهولت بیشتری به خدمات مالیاتی دسترسی پیدا کنند. این امر نه تنها فرآیندهای مالیاتی را برای مودیان ساده‌تر و قابل دسترس‌تر می‌کند، بلکه رضایت و اعتماد آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد. در نتیجه، ارتقای نظام مالیاتی از طریق دولت الکترونیک، به ایجاد یک سیستم مالیاتی کارآمد، شفاف و رضایت‌بخش کمک می‌کند که برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ضروری است. الگوی خط‌مشی بهبود نظام مالیاتی کشور در دولت الکترونیک به دلایل متعددی ضروری است.

نظام مالیاتی کشور در دولت الکترونیک نقش بسیار مهمی دارد. یکی از اصلی‌ترین اهداف دولت الکترونیک، بهبود خدمات عمومی و کاهش بروکراسی اداری است. با پیاده‌سازی سیستم‌های مالیاتی الکترونیکی، فرآیندهای مالیاتی سریع‌تر و کارآمدتر می‌شوند. این سیستم‌ها امکان ثبت اظهارنامه‌های مالیاتی، پرداخت مالیات و دریافت تاییدیه‌ها را به

صورت آنلاین فراهم می‌کنند که این امر باعث کاهش زمان و هزینه‌های مرتبط با فرآیندهای مالیاتی برای مودیان و دولت می‌شود (والتر^۱، ۲۰۲۴).

از دیگر مزایای نظام مالیاتی الکترونیکی، افزایش شفافیت و کاهش فساد است. با دیجیتالی کردن فرآیندها و ذخیره اطلاعات به صورت الکترونیکی، امکان دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز فراهم می‌شود. این موضوع به جلوگیری از تخلفات مالیاتی و بهبود نظارت و کنترل دولت بر درآمدهای مالیاتی کمک می‌کند (ابوسیلک و همکاران^۲، ۲۰۲۴). همچنین، با کاهش تعاملات مستقیم بین مودیان و کارکنان مالیاتی، خطر وقوع فساد و سوءاستفاده‌های احتمالی کاهش می‌یابد. نظام مالیاتی الکترونیکی نقش مهمی در بهبود تجربه کاربران دارد. با استفاده از فناوری‌های نوین مانند پورتال‌های آنلاین و اپلیکیشن‌های موبایل، مودیان مالیاتی می‌توانند به سادگی به خدمات مالیاتی دسترسی پیدا کنند. این امر نه تنها فرآیندهای مالیاتی را ساده‌تر و قابل دسترسی‌تر می‌کند، بلکه رضایت مودیان را نیز افزایش می‌دهد. در نتیجه، ارتقاء نظام مالیاتی کشور از طریق دولت الکترونیک (آلوماری و همکاران^۳، ۲۰۱۰) می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به دولت و بهبود کارایی و شفافیت سیستم مالیاتی منجر شود. نظام مالیاتی برای موفقیت به اکوسیستم خود متکی است (نوفال^۴، ۲۰۲۱). این اکوسیستم شبکه‌ای وابسته به هم متشکل از بازیگران، فناوری‌ها و نهادها است. اگرچه شکل و عملکرد اداره مالیات در طول هزاره‌ها تکامل یافته است، اما یک چیز ثابت است، ادارات مالیاتی موفق می‌توانند اکوسیستم خود را برای تولید درآمد شناسایی، درک کرده و از آنها استفاده کنند. ادارات مالیاتی در سراسر جهان با مجموعه‌ای متنوع و پیچیده از خدمات الکترونیکی به منظور افزایش تجربه مالیات دهندگان دیجیتالی شده‌اند. با این وجود، با توجه به نرخ بالای شکست خدمات دولت الکترونیک، درک عواملی که برای موفقیت یک سیستم مالیاتی دیجیتال ضروری هستند، بسیار مهم است (نگیان و همکاران^۵، ۲۰۲۴).

امروزه، ادارات مالیاتی با استفاده از هوش مصنوعی، اینترنت اشیا (IoT)، محاسبات ابری، فناوری بلاک چین و غیره برای فعالیت‌های مالیاتی مختلف دیجیتالی شده‌اند. بر اساس سازمان همکاری اقتصاد و توسعه^۶ (۲۰۲۱)، ۸۰ درصد از پنجاه و نه اداره مالیاتی مورد

¹ Walter

² Abu-Silake et al.

³ Alomari et al.

⁴ Nofal

⁵ Nguyen et al.

⁶ Organisation for Economic Co-operation and Development

بررسی از ابزارهای تجزیه و تحلیل داده ها، ۷۵ درصد از قابلیت های یادگیری ماشینی، و ۵۰ درصد دارای ابزار دستیار دیجیتال، به ویژه «چت بات ها» استفاده می کنند، که این وضعیت با مخارج مطابقت دارد، زیرا زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات ۵۰ درصد از هزینه های سرمایه ای را تشکیل می دهد. با این وجود، هیچ مدرکی وجود ندارد که به طور قطعی نشان دهد که توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات به نتایج از پیش تعیین شده کارایی، اثربخشی و رضایت مالیات دهندگان دست خواهد یافت. طبق بررسی عمر، ویراکودی و داوود^۲ (۲۰۲۰)، اکثر پروژه های فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان توسعه یافته علیرغم سرمایه گذاری مالی (مارتی^۳، ۲۰۱۰) قابل توجه در چنین پروژه هایی، به اهداف خود دست نمی یابند. وضعیت مشابهی در کشورهای در حال توسعه نیز وجود دارد. در واقع، با وجود نرخ بالای پرونده الکترونیکی در جهان توسعه یافته، نرخ پرونده الکترونیکی در کشورهای در حال توسعه همچنان پایین است.

برای یک اداره مالیاتی که به شدت به اکوسیستم خود وابسته است، برخی استدلال می کنند که فناوری به تنهایی منجر به موفقیت آن نمی شود. نیاز به درک اینکه چگونه اصلاحات دیجیتال اخیر بر اکوسیستم گسترده تر اداره مالیات که متشکل از افراد، فرآیندها و نهادهای پشت ارائه خدمات دیجیتال است، تأثیر گذاشته است. این امر به ویژه ضروری است زیرا بررسی های ادبیات توسط دادا^۴ (۲۰۰۶) و نکوهکو و اسلام^۵ (۲۰۱۳) استدلال می کنند که استفاده از اکوسیستم وسیع تری که در آن فناوری اطلاعات و ارتباطات در آن به کار می رود برای درک دلایل شکست یا گرانی هزینه ای که بسیاری از خدمات الکترونیکی را تحت تأثیر قرار داده است، حیاتی است (مایسیا و همکاران، ۲۰۱۶).

برخی تحقیقات در مورد اکوسیستم دیجیتال در ادبیات سیستم های اطلاعاتی گسترده تر انجام شده است که اکوسیستم ICT را به عنوان ابزاری برای توسعه اجتماعی و رسیدگی به نابرابری ها بررسی می کند. با این حال، در زمینه خدمات مالیاتی دیجیتال، اکثر تحقیقات در این زمینه بر روی کاربرد مدل های پذیرش، پذیرش و استفاده از فناوری از جمله مدل پذیرش فناوری (TAM)، دلون و مدل موفقیت مکین IS^۷ در مورد سهامداران مختلف در فضای مالیاتی مانند مقامات مالیاتی، مالیات دهندگان یا مشاوران مالیاتی متمرکز شده

^۱ Chatbots

^۲ Omar, Weerakkody, and Daowd

^۳ Marti

^۴ Dada

^۵ Nkohkwo and Islam

^۶ Maisiba et al.

^۷ Mclean IS Success Model

است. با وجودی که موارد بررسی شده ضروری هستند، اما این مدل‌ها پدیده‌هایی را بررسی می‌کنند که تنها بخش کوچکی از زیرساخت‌های مدیریت مالیات دیجیتال گسترده‌تر را شامل می‌شوند. به جز مقاله تنها توسط کانارس^۱ (۲۰۱۶)، که از رویکرد اکوسیستم دیجیتال برای بررسی اداره مالیات در فیلیپین استفاده می‌کند، تحقیقات فعلی فاقد درک صریح و ادغام رویکرد به ادبیات مالیات الکترونیکی و همچنین عدم پذیرش چنین رویکردی به تحقیقات از قبل موجود در مورد مالیات دیجیتال در مورد معیارهای ارزیابی مالیات دیجیتال وضوح می‌دهد (هینمان و همکاران؛^۲ ۲۰۲۴).

طراحی الگوی خط‌مشی بهبود نظام مالیاتی کشور در دولت الکترونیک نیازمند شناخت دقیق از نقاط قوت و ضعف سیستم موجود و استفاده از فناوری‌های نوین است. ابتدا باید ارزیابی جامعی از فرآیندهای فعلی انجام شود تا موانع و چالش‌های موجود شناسایی شود. این شامل بررسی مشکلاتی نظیر پیچیدگی‌های بروکراتیک، فساد احتمالی و ناکارآمدی‌های موجود است. پس از شناسایی این موارد، می‌توان اهداف مشخصی برای بهبود تعیین کرد، مانند کاهش زمان پردازش مالیات، افزایش شفافیت و بهبود تجربه کاربری برای مودیان (استیلر و همکاران؛^۳ ۲۰۲۳).

در مرحله بعد، باید به استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای بهبود فرآیندهای مالیاتی پرداخته شود. ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای ثبت و پرداخت مالیات، استفاده از سیستم‌های مدیریت داده‌ها برای ذخیره و تحلیل اطلاعات مالیاتی، و بهره‌گیری از فناوری‌های بلاکچین برای افزایش امنیت و شفافیت، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود نظام مالیاتی کمک کند. همچنین، آموزش و توانمندسازی کارکنان مالیاتی برای استفاده موثر از این فناوری‌ها و ارائه خدمات بهتر به مودیان نیز ضروری است (پونیاتوفسکی و همکاران؛^۴ ۲۰۲۰).

با عنایت به بررسی‌های انجام شده در این مطالعات، این ضرورت مطرح می‌شود که لازمه افزایش تمکین داوطلبانه و نه اجباری، وجود یک نظام عادلانه مالیاتی است. نظام مالیاتی عادلانه در برگیرنده عدالت افقی و عدالت عمودی برای تمامی اقشار جامعه است. برای یک نظام مالیات ستان، تمکین داوطلبانه مؤدیان ضروری است. این مهم، حداقل از سه جنبه قابل بررسی می‌باشد: اول آنکه، تمکین داوطلبانه منجر به کاهش هزینه‌های مالیات

^۱ Canares

^۲ Heinemann et al.

^۳ Stiller et al.

^۴ Poniatowski et al.

ستانی می‌شود؛ از بعدی دیگر، افزایش درآمدهای دولت و تأمین بودجه کشور و در بعد سوم، کاهش فرار مالیاتی را میتوان انتظار داشت. همچنین بررسی مبانی تجربی در این مطالعه نشان دهنده آن است که اغلب تحقیقات و مطالعات صورت گرفته در حوزه فرار مالیاتی، مربوط به بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در نظام مالیات می‌باشد. در یک نگاه کلی، میتوان بیان داشت که مطالعات انجام شده با توجه به مبانی و سوابق تحقیقاتی داخلی و خارجی، بیشترین مطالعات در زمینه تأثیر شفافیت مالی و گزارشگری مالیاتی، ارتباط بین شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی است و مطالعاتی با رویکرد دولت الکترونیک انجام نشده است در این مطالعه بیشتر سعی بر ارتباط عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک است و بیشتر سعی در تبیین ارتباط بین این دو مقوله شده است.

به طور کلی، استفاده از فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک در حوزه مالیات، فرآیند ارائه خدمات، الگوهای تجاری و انتظارات مؤدیان از کیفیت و کارایی اطلاعات را تغییر داده است و با این حال فرآیند موجود در سیستم الکترونیکی مالیات در ایران عاری از مشکل نیست و نیاز به بازنگری، اصلاح و تکمیل فرآیندهای نظام مالیاتی کشور می‌باشد، که بررسی آن در سیستم نظام مالیاتی ایران حائز اهمیت و ضرورت می‌باشد.

به طور کلی، ادارات امور مالیاتی برای ایجاد شفافیت در کارها، کارایی بیشتر و پاسخگویی به نیازهای دولت و مؤدیان بایستی فناوری‌های نوین در این حوزه را به صورت مستمر رصد، بررسی و استفاده نمایند. لذا سازمان‌های مالیاتی باید علاوه بر پیاده‌سازی سیستم‌های الکترونیکی اخذ مالیات کیفیت آن‌ها را در نظر گیرند تا بتوانند علاوه بر رفع نیازهای مشتریان، تحقق اهداف سازمان را نیز محقق سازند.

با توجه به اینکه در مطالعات پیشین در حوزه عدالت مالیاتی بطور همزمان با دولت الکترونیک و در قالب یک مدل پرداخته نشده است، بنابراین برای رفع این شکاف، هدف انجام تحقیقی است که با استفاده از مطالعات پیشین در این دو حوزه، به تدوین مدلی جهت ایجاد عدالت مالیاتی با محوریت کاهش فرار مالیاتی و بهبود شفافیت، با رویکرد دولت الکترونیک مورد اهمیت و ضرورت واقع شده است.

مبانی نظری

دولت الکترونیکی

دولت الکترونیکی به استفاده از فناوری‌های دیجیتال و ارتباطات برای ارائه خدمات دولتی و تسهیل تعاملات میان دولت و شهروندان، کسب و کارها و سایر نهادها اطلاق می‌شود. هدف اصلی دولت الکترونیکی ارتقاء کارایی، شفافیت، و دسترسی به خدمات دولتی است. این سیستم‌ها معمولاً شامل پورتال‌های آنلاین، سامانه‌های مدیریت اطلاعات، و ابزارهای دیجیتال برای ارائه خدمات مختلف دولتی به صورت الکترونیکی هستند (ماسکارانی و همکاران، ۲۰۲۱).

با دولت الکترونیکی، فرآیندهای دولتی مانند ثبت نام، درخواست مجوزها، پرداخت مالیات‌ها، و دریافت خدمات عمومی به صورت آنلاین و از راه دور انجام می‌شود. این فناوری‌ها به شهروندان امکان می‌دهند تا بدون نیاز به مراجعه حضوری به ادارات دولتی، به خدمات مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند. علاوه بر این، دولت‌ها می‌توانند با استفاده از فناوری‌های دیجیتال، داده‌های مربوط به خدمات و عملکرد خود را به صورت به‌روز و دقیق مدیریت کنند.

دولت الکترونیکی به بهبود شفافیت و پاسخگویی نیز کمک می‌کند. با ارائه خدمات به صورت آنلاین و مستند، امکان نظارت و بررسی عملکرد دولت و ارائه بازخورد از سوی شهروندان آسان‌تر می‌شود. این امر به افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و کاهش فساد کمک می‌کند.

در نهایت، دولت الکترونیکی می‌تواند به افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های اداری نیز منجر شود. با استفاده از ابزارهای دیجیتال برای خودکارسازی فرآیندها و کاهش نیاز به کاغذبازی، دولت‌ها می‌توانند منابع خود را به طور بهینه‌تری مدیریت کرده و هزینه‌های مرتبط با خدمات دولتی را کاهش دهند (کیتسیوس و همکاران، ۲۰۲۲).

نظام مالیاتی

مالیات‌ها ابزارهای مهمی برای توزیع مجدد ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی هستند. دولت‌ها با استفاده از درآمدهای مالیاتی می‌توانند برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی را اجرا کنند که به بهبود وضعیت زندگی شهروندان کمک می‌کند. علاوه بر این، مالیات‌ها می‌توانند به عنوان ابزارهای تنظیمی عمل کنند و رفتارهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار

¹ Mascagni et al.

² Kitsios et al.

دهند؛ به عنوان مثال، مالیات بر سوخت‌های فسیلی می‌تواند مصرف انرژی‌های پاک‌تر را تشویق کند (فان و همکاران؛ ۲۰۲۰).

نظام مالیاتی همچنین نقش مهمی در پایداری مالی دولت‌ها دارد. بدون یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه، دولت‌ها قادر به تأمین هزینه‌های عمومی نخواهند بود و ممکن است به بدهی‌های زیاد متوسل شوند. طراحی و اجرای صحیح نظام مالیاتی نیازمند شفافیت، کارایی و عدالت است تا ضمن تأمین منابع مالی لازم برای دولت، اعتماد و همکاری شهروندان را نیز جلب کند.

جایگاه نظام مالیاتی در دولت

نظام مالیاتی نقش مهمی در تنظیم و بهینه‌سازی توزیع ثروت و درآمد دارد. از طریق مالیات‌ها، دولت می‌تواند درآمدها را از گروه‌های پردرآمد به گروه‌های کم‌درآمد منتقل کرده و نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد. این اقدامات می‌تواند به تقویت عدالت اجتماعی و ترویج همبستگی اقتصادی در جامعه کمک کند. بنابراین، نظام مالیاتی نه تنها منبع درآمدی برای دولت، بلکه ابزاری برای تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی نیز به شمار می‌رود.

در نهایت، نظام مالیاتی تأثیر عمده‌ای بر پایداری مالی و اقتصادی دولت دارد. یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه می‌تواند به کاهش وابستگی دولت به منابع خارجی و افزایش استقلال مالی کمک کند. همچنین، با بهبود شفافیت و کارایی در جمع‌آوری و مدیریت مالیات‌ها، دولت می‌تواند از بروز مشکلات مالی و اقتصادی جلوگیری کرده و به تقویت اعتماد عمومی و مشارکت شهروندان در فرآیندهای مالیاتی بپردازد.

مالیات الکترونیکی

با استفاده از مالیات الکترونیکی، مودیان مالیاتی می‌توانند به راحتی اظهارنامه‌های مالیاتی خود را به صورت آنلاین ارسال کنند و مالیات‌های خود را از طریق سیستم‌های پرداخت الکترونیکی پرداخت نمایند. این روش‌ها موجب کاهش نیاز به مراجعه حضوری به ادارات مالیاتی و کاهش زمان و هزینه‌های مرتبط با پردازش‌های دستی می‌شود. همچنین، دولت‌ها می‌توانند با استفاده از این سیستم‌ها به طور مستقیم و در زمان واقعی به داده‌های مالیاتی دسترسی پیدا کنند و نظارت بهتری بر فعالیت‌های مالیاتی داشته باشند (گوارو و همکاران؛ ۲۰۱۶).

¹ Fan et al.

² Gwaro et al.

مالیات الکترونیکی همچنین به بهبود دقت و کاهش خطاها در فرآیندهای مالیاتی کمک می‌کند. با خودکارسازی فرآیندها و استفاده از سیستم‌های پیشرفته، امکان وقوع خطاهای انسانی کاهش یافته و شفافیت بیشتری در مدیریت مالیات‌ها فراهم می‌شود. این امر می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی نسبت به نظام مالیاتی و کاهش میزان فرار مالیاتی کمک کند. مالیات الکترونیکی می‌تواند به عنوان ابزاری موثر برای بهبود تعاملات میان مودیان و سازمان‌های مالیاتی عمل کند. با فراهم کردن امکانات و ابزارهای دیجیتال، دولت‌ها قادر خواهند بود خدمات مالیاتی را به صورت سریع‌تر و کارآمدتر ارائه دهند و تجربه بهتری را برای مودیان مالیاتی ایجاد کنند. این تحولات به نوبه خود به تقویت سیستم‌های مالیاتی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها کمک خواهد کرد (ساینی و همکاران، ۲۰۲۱).

اجرای مالیات الکترونیکی

موفقیت در اجرای مالیات الکترونیکی برای هر دولت دوستدار دیجیتال به دلیل اجتناب ناپذیر بودن مالیات و این واقعیت که گسترده‌ترین دامنه تعامل بین دولت و شهروندان را بدون توجه به ویژگی‌های جمعیتی فراهم می‌کند، ضروری است. با توجه به گسترش تجارت الکترونیک و ابزارهای کاربردی تلفن همراه که روزانه از آنها استفاده می‌کنند، مالیات دهندگان انتظارات زیادی در مورد خدماتی که از دولت خود انتظار دارند دارند (بتر و همکاران، ۲۰۲۳).

با این وجود، در حالی که بسیاری در ادبیات در مورد مزایای افزایش دیجیتالی‌سازی، مانند نظارت و نظارت بیشتر بر مخارج مالی، کاهش بروز فساد، حکمرانی خوب و نابرابری درآمد کمتر صحبت کرده‌اند، این مزایا را نمی‌توان فرض کرد و بدیهی دانست. در واقع، دیگران در ادبیات به نرخ بالای شکست پروژه‌های دولت الکترونیکی انتقاد کرده‌اند که مالیات دیجیتال نیز از این قاعده مستثنی نیست. طبق گفته مرگل (۲۰۱۶)، ۹۴٪ از این پروژه‌ها در ایالات متحده بیش از بودجه هستند و ۴۰٪ هرگز به پایان نمی‌رسند.

مالیات الکترونیک در دولت الکترونیک

بر اساس ادبیات دولت الکترونیک، از مدل فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تحلیل ادبیات مربوطه استفاده می‌کنیم. مفهوم «اکوسیستم فناوری اطلاعات و ارتباطات» در زمینه دولت دیجیتال توسط گروه سیاست الکترونیک باز رایج شد، که آن را به عنوان شامل سیاست‌ها، استراتژی‌ها، فرآیندها، اطلاعات، فناوری‌ها، برنامه‌ها و ذینفعانی تعریف می‌کند

¹ Saini et al.

² Buettner et al.

³ Mergel

که با هم تشکیل می‌دهند. یک محیط فناوری برای یک کشور، دولت یا یک شرکت. مهمتر از همه، یک اکوسیستم ICT شامل افراد می‌شود - افراد متنوعی که فناوری را ایجاد، خرید، فروش، تنظیم، مدیریت و استفاده می‌کنند (باربو و همکاران، ۲۰۲۴). از این تعریف، واضح است که «فناوری» در خلأ وجود ندارد و در یک سیستم بسته و فنی ضعیف ارائه می‌شود. در عوض، مفهوم اکوسیستم تشخیص می‌دهد که کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات باید در محیط وسیع‌تری تعبیه شده و از ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، فضایی و اقتصادی جایی که خود را می‌بیند قدردانی کنند. در واقع، تعاملات فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان بازیگران مختلف در سیستم‌های مختلف رهبری سیاسی، حکمرانی، نوآوری، سیستم‌های اقتصادی، سواد و شهروندی به این معناست که به طور اجتناب‌ناپذیری اجزای یک اکوسیستم فناوری اطلاعات و ارتباطات باید از بافت کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد. شناخت این تفاوت‌ها، به ویژه بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، مهم است. همچنین باید به بازیگران مختلف که برای پایداری یک اکوسیستم ICT کارآمد حیاتی هستند، توجه داشت. این امر مستلزم قدردانی از پویایی‌های اجتماعی و جمعیتی است که بر مشارکت کامل گروه‌های مختلف در آن بافت کشور خاص تأثیر می‌گذارد. یک تحلیل اکوسیستم مناسب باید سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، تحصیلات، سواد کامپیوتر، جغرافیا و سایر ویژگی‌ها را در نظر بگیرد (ستیوواتی و همکاران، ۲۰۲۰).

عدالت سازمانی:

بر اساس نظریه برابری و نظریه تبادل اجتماعی، عدالت سازمانی در ساده‌ترین اصطلاح، درک انصاف کارکنان از تصمیمات، سیاست‌ها و رویه‌هایی است که در محل کار افراد گرفته می‌شود (فتاحی سرنند و همکاران، ۲۰۱۹). در ادبیات سازمان و مدیریت، واژه عدالت ابتدا توسط گرین برگ به کار گرفته شد. به نظر گرین برگ عدالت با ادراک و تلقی کارکنان از انصاف کاری مرتبط است. گرین این واژه را برای تشریح و تفسیر نقش انصاف در محیط کاری به کار برده است. طبقه‌بندی‌هایی که اغلب در گذشته برای عدالت مطرح می‌شدند در بردارنده دو بعد عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای بودند. در سال ۱۹۸۶ بعد سوم توسط بیس و مواگ تحت عنوان عدالت مراوده‌ای معرفی گردید (میرخلیلی و همکاران، ۲۰۱۹). عدالت سازمانی در محیط پویا و دگرگون فعلی، اهمیت ویژه‌ای برای

¹ Barbu et al.

² Setyowati et al.

مدیران و کارکنان داشته و بیانگر برابری و لحاظ کردن رفتار اخلاقی در یک سازمان می باشد. در واقع درک عدالت سازمانی ابزار اصلی برای کارکرد سازمان می باشد. رعایت عدالت رمز بقا و پایداری جریان توسعه پیشرفت سازمان و کارکنان آنست (کیدا و تکمورا،^۱ ۲۰۲۴).

عدالت ادراک شده:

عدالت سازمانی به انصاف درک شده از سوی کارکنان در مورد شغل شان در محیط کار بازمی گردد. در واقع، واژه ی عدالت برای تشریح و تجزیه و تحلیل نقش آن در محیط کار بکار می رود. بدون شک، بی عدالتی یا تبعیض، زیانهای جبران ناپذیری بر پیکر سازمان وارد میسازد و موجب افول زودرس سازمانها می شود. عدالت در سازمان بیانگر ادراک کارکنان از برخوردهای منصفانه در کار است (فونسیکا و همکاران، ۲۰۲۱). عدالت سازمانی را رفتار منصفانه سازمان با کارمندان تعریف می کند. گرینبرگ (۲۰۰۴) عدالت به عنوان یک اصطلاح به طور کلی برای بیان "درستی" یا "انصاف" به کار میرود به این دلیل که انصاف مسئله مهمی برای درک رفتارهای کارمندان در سازمان ها است، که مورد توجه قرار گرفت. عدالت سازمانی و مفهوم آن برای درک و تبیین نقش آنها ابداع شد. انصاف به روشی سازمانی عدالت سازمانی به عنوان برداشت کارکنان از انصاف در محل کار تعریف می شود (کرستین و ماستر، ۲۰۲۰).

عدالت مالیاتی:

نظام مالیاتی یکی از مهمترین ابزارهای سیاستهای مالی یک نظام اقتصادی است؛ یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه لازمه یک نظام اقتصادی قوی است در فرآیند وصول مالیات جلب همکاری و رضایت مؤدیان نسبت به تمکین داوطلبانه از راهبردهای اصولی سیستم مالیاتی محسوب می شود. مدیریت تمکین داوطلبانه رهیافت مدرنی است که به انگیزه های اجتماعی و اقتصادی شهروندان توجه نموده و پیش از وقوع عدم تمکین زمینه های آن را شناسایی کرده و اصل را بر پیشگیری قرار میدهد (علیزاده و همکاران، ۲۰۲۳). کشوری میتواند قوی و پیشرفته شود که یک نظام مالیاتی مترقی و عادلانه داشته باشد دولتی که بتواند از یک اقتصاد مولد درون زا و رو به رشد، به درستی و بر پایه عدالت مالیات دریافت کند در حقیقت موتور محرک توسعه پایدار اقتصادی را به حرکت درآورده است. یکی از ارکان توسعه پایدار سیستم مالیاتی مؤثر متمرکز می باشد زیرا میتواند پایه درآمد داخلی

¹ Kida & Takemura

را به عنوان مکانیزمی کلیدی در کشورهای در حال توسعه برای فرار از کمک‌ها یا وابستگی منحصر به فرد به منابع طبیعی ایجاد نماید (دانشور و همکاران، ۲۰۲۳).

روش تحقیق

این تحقیق با روش آمیخته اکتشافی توسعه‌ای انجام می‌شود؛ بدین معنا که ابتدا داده‌های کیفی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های تخصصی گردآوری شده و شاخص‌ها و طبقه‌بندی‌های لازم برای مدل‌سازی استخراج می‌شود. سپس در مرحله کمی با استفاده از پرسشنامه و نظر خبرگان، داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل می‌گردد. از نظر هدف، پژوهش توسعه‌ای و کاربردی است و به دنبال طراحی الگویی برای دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک می‌باشد. از نظر گردآوری داده‌ها، تحقیق پیمایشی - مقطعی محسوب می‌شود. به طور کلی، این مطالعه یک پژوهش آمیخته (کیفی + کمی) است که در آن ابتدا متغیرها و شاخص‌ها شناسایی شده و سپس در قالب پرسشنامه آزمون می‌شوند تا نتایج کلی و قابل تعمیم برای حل مسائل و پیش‌بینی رویدادهای مرتبط به دست آید.

سوالات تحقیق

سوالات بخش کیفی:

سوال اصلی

الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک چگونه می‌باشد؟

سوالات فرعی

ابعاد الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک کدامند؟
مؤلفه‌های الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک کدامند؟
شاخص‌های الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک کدامند؟

سوالات بخش کمی:

ساختار و روابط میان مولفه های الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک چگونه می باشد؟

آیا ساختار مولفه های الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک از اعتبار و برازش مناسب برخوردار می باشد؟

جامعه و قلمرو زمانی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان مدیریت مالی و مدیران اداره مالیات است. برای انتخاب خبرگان معیارهایی مانند داشتن مدرک مرتبط (حداقل کارشناسی ارشد)، حداقل ۱۰ سال سابقه کاری و آشنایی مستقیم با مسائل مالیاتی در نظر گرفته شده است. گروه خبرگان شامل اساتید دانشگاه، مدیران اجرایی، بازنشستگان و رؤسای سازمان مالیات می باشد. در بخش کیفی، از روش نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری استفاده می شود؛ یعنی مصاحبه ها تا زمانی ادامه می یابد که پاسخ جدیدی به دست نیاید و اطلاعات تکراری شود، سپس نمونه گیری متوقف خواهد شد.

جدول ۱: جدول خبرگان و مدیران رشته مدیریت مالی و مدیران اداره مالیات

گروه خبرگان	نقش و تخصص
مدیران ارشد اداره امور مالیاتی	سیاست گذاری و نظارت بر اجرای عدالت مالیاتی
کارشناسان مالیاتی و حقوقی	تحلیل قوانین و مقررات مالیاتی
متخصصان مدیریت مالی و حسابداری	طراحی مدل های مالی و محاسبات مالیاتی
کارشناسان فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک	توسعه سامانه های دریافت مالیات الکترونیکی
مشاوران و پژوهشگران حوزه مالیات	ارائه راهکارهای علمی و پژوهشی برای عدالت مالیاتی

در بخش کمی، برای برازش مدل بر اساس معیارهای استخراج شده از بخش کیفی، از نظر مدیران ادارات مالیاتی در تهران استفاده شده است. کل جامعه آماری تعداد اعضای نامحدود دارد.

با توجه به نامحدود بودن جامعه، تعداد نمونه، با استفاده از رابطه زیر محاسبه شد.

$$n = \frac{Z_{\alpha/2}^2 \times p(1-p)}{\varepsilon^2} = \frac{(1.96)^2 \times .5 \times .5}{(.05)^2} \cong 384$$

در این تحقیق سطح اطمینان برابر با ۰/۹۵ ($\alpha=0.05$) و دقت (ε) برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. انحراف معیار نیز با توجه به رابطه $\sigma=(5-1)/6$ ، برابر با ۰/۶۷۷ بدست آمد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات داخلی و خارجی، رساله‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی و سامانه‌های علم‌سنجی) مبانی نظری و پیشینه مرتبط گردآوری می‌شود. سپس برای تکمیل و اعتبارسنجی شاخص‌های مدل دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک، با خبرگان سازمان امور مالیاتی و پژوهشگران دانشگاهی مصاحبه‌های ساختارمند انجام می‌گیرد. این مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه طول کشیده، طبق سؤالات از پیش تعیین‌شده و بدون سوگیری اجرا می‌شوند و با اجازه مصاحبه‌شوندگان ضبط خواهند شد.

در بخش کمی، پژوهش توصیفی-پیمایشی است و به توصیف و تحلیل واقعی وضعیت موجود می‌پردازد. داده‌ها از طریق نظرسنجی از مسئولان، مدیران و سیاستگذاران گردآوری می‌شود. از نظر هدف، تحقیق کاربردی بوده و در دسته مطالعات غیرآزمایشی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های کیفی

تحلیل تم روشی برای شناسایی و بیان الگوها در داده‌هاست که توسط کلارک و براون (۲۰۰۶) در شش مرحله معرفی شده است:

- آشنایی با داده‌ها (مطالعه عمیق داده‌ها)
 - ایجاد کدهای اولیه (در این پژوهش ۱۱۸ کد اولیه استخراج شد)
 - جستجوی کدهای گزینشی (ترکیب کدها در قالب ۳۹ کد گزینشی)
 - شکل‌گیری تم‌های فرعی (بازبینی و پالایش داده‌ها → ۵ تم فرعی)
 - تعریف و نام‌گذاری تم اصلی (از میان تم‌های فرعی، یک تم اصلی نهایی شد)
 - گزارش‌نویسی (تحلیل نهایی و نگارش گزارش)
- این فرایند بازگشتی و تعاملی است، به گونه‌ای که پژوهشگر در طول زمان بین داده‌ها، کدگذاری‌ها و تحلیل‌ها حرکت کرده و به تدریج به استخراج تم اصلی می‌رسد.

جدول ۲: شناسایی مضمون فراگیر مولفه های الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک

مضمون فراگیر: الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک

مضمون سازنده سطح دو	مضمون سازنده سطح یک	مضمون اولیه
عدالت مالیاتی	برابری در پرداخت مالیات	پرداخت مالیات متناسب با درآمد
		کاهش فشار مالیاتی بر اقشار کم درآمد
		مالیات تصاعدی برای افراد و شرکت های پردرآمد
	کاهش فرار مالیاتی	تشدید کنترل های مالی و نظارتی
		ایجاد بانک اطلاعاتی جامع برای شناسایی درآمدهای واقعی
		استفاده از هوش مصنوعی برای شناسایی تخلفات مالیاتی
شفافیت در نظام مالیاتی	انتشار عمومی اطلاعات مربوط به میزان و نحوه هزینه کرد مالیات ها	
	ارائه گزارش های مالیاتی شفاف و قابل فهم برای شهروندان	
		نظارت مردمی بر سیاست های مالیاتی دولت
تحول دیجیتال در فرآیندهای مالیاتی	دیجیتالی سازی فرآیندهای مالیاتی	توسعه سامانه های الکترونیکی برای ثبت و پرداخت مالیات
		کاهش وابستگی به فرایندهای دستی و سنتی
		ارائه خدمات مالیاتی آنلاین و خودکار
		حذف تعاملات انسانی در محاسبه و دریافت مالیات

کاهش فساد اداری از	ردیابی تراکنش‌های مالی برای جلوگیری از تخلفات
طریق فناوری	استفاده از بلاکچین برای ثبت غیرقابل تغییر اطلاعات مالیاتی
استفاده از کلان‌داده	تحلیل داده‌های کلان برای کشف الگوهای مشکوک
و هوش مصنوعی در مالیات	شناسایی رفتارهای غیرمعمول در پرداخت مالیات
	پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی از طریق مدل‌های یادگیری ماشین
سیاست‌گذاری	اصلاح ساختار
مالیاتی برای	مالیاتی برای افزایش
تأمین عدالت و	عدالت
کارایی اقتصادی	کاهش بار مالیاتی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط
مالیات بر دارایی‌های کلان	مالیات بر ثروت و املاک لوکس
	دریافت مالیات از سودهای غیرمولد (مانند معاملات کلان املاک و مستغلات)
	کاهش امکان فرار مالیاتی شرکت‌های بزرگ
نظام تشویقی و	ارائه تخفیف‌های مالیاتی برای پرداخت‌کنندگان منظم
تنبیهی در پرداخت مالیات	افزایش جریمه برای جرم‌های مالیاتی
	اجرای سیاست‌های تشویقی
مشارکت‌مندیان	آگاهی‌بخشی و
مالیاتی	فرهنگ‌سازی مالیاتی
	ارائه گزارش‌های دوره‌ای درباره نحوه هزینه‌کرد مالیات‌ها
	استفاده از رسانه‌های دیجیتال برای ترویج فرهنگ مالیاتی

ساده سازی	کاهش پیچیدگی های اداری برای ثبت و پرداخت مالیات
فرآیندهای مالیاتی	
	ارائه پلتفرم های دیجیتال برای انجام خودکار امور مالیاتی
	امکان دریافت مشاوره مالیاتی آنلاین برای مودیان
اعتماد سازی و شفافیت در نظام مالیاتی	کاهش امکان فساد از طریق هوشمند سازی نظام مالیاتی
	نظارت مردمی بر سیاست های مالیاتی دولت
	انتشار عمومی اطلاعات مربوط به میزان و نحوه هزینه کرد مالیات ها
زیر ساخت فناوریانه	طراحی و پیاده سازی پلتفرم های آنلاین پرداخت مالیات
الکترونیکی مالیاتی	اتوماسیون فرآیندهای مالیاتی و حذف فرآیندهای کاغذی
	یکپارچه سازی سامانه های مالیاتی با سایر سیستم های دولتی
امنیت سایبری و حریم خصوصی	رمزنگاری اطلاعات مالیاتی برای جلوگیری از هک و سوء استفاده
	احراز هویت الکترونیکی برای تأمین امنیت مودیان
	ایجاد سامانه های مبتنی بر بلاکچین برای جلوگیری از جعل اطلاعات
یکپارچه سازی اطلاعات مالیاتی	اتصال پایگاه های داده مالیاتی به سایر بانک های اطلاعاتی کشور
	ایجاد پرو فایل مالیاتی یکپارچه برای هر مودی
	شفاف سازی تراکنش های مالی و اقتصادی در سطح ملی

دسترسی و کاربرپسندی سامانه‌ها	طراحی رابط کاربری ساده و قابل فهم برای همه اقشار جامعه
ارائه نسخه موبایلی سامانه‌های مالیاتی	
پشتیبانی چندزبانه برای تسهیل تعاملات اقتصادی بین‌المللی	
پوشش مناطق کم‌برخوردار و توسعه دیجیتالی	توسعه زیرساخت‌های اینترنتی و مخابراتی برای دسترسی بهتر مناطق محروم
راه‌اندازی کیوسک‌های هوشمند مالیاتی در مناطق فاقد اینترنت پایدار	
ارائه آموزش‌های دیجیتالی برای آشنایی شهروندان با فرآیندهای مالیاتی الکترونیک	
شرایط فرهنگی فرهنگ مالیاتی و تمکین داوطلبانه	میزان آگاهی عمومی نسبت به مالیات و نقش آن در توسعه کشور
نگرش جامعه نسبت به پرداخت مالیات (اجبار یا مسئولیت اجتماعی)	
میزان اعتماد عمومی به نظام مالیاتی و دولت	
شفافیت و صداقت در رفتار مالیاتی	نقش رسانه‌ها و آموزش عمومی در فرهنگ‌سازی مالیاتی
میزان فساد اداری و نقش آن در فرار مالیاتی	
تأثیر الگوهای رفتاری مدیران و سیاست‌گذاران در افزایش فرهنگ مالیاتی	
عدالت و مشروعیت مالیاتی در باور عمومی	درک عمومی از عدالت در نظام مالیاتی (مالیات تصاعدی، معافیت‌ها، تخفیف‌ها)
تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر انگیزه پرداخت مالیات	

میزان تطابق نظام مالیاتی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	
آموزش و آگاهی‌رسانی مالیاتی	نقش مدارس، دانشگاه‌ها و آموزش عالی در توسعه دانش مالیاتی
کمپین‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی درباره حقوق و تکالیف مالیاتی	
آموزش دیجیتال و استفاده از فناوری در بهبود دانش مالیاتی	
شرایط اجتماعی	سطح اعتماد عمومی به دولت و نهادهای مالیاتی
تأثیر عملکرد دولت در افزایش اعتماد مودیان به سیستم مالیاتی	
تجربه‌های تاریخی مردم از فساد و ناکارآمدی نظام مالیاتی	
نقش شفافیت و پاسخگویی دولت در جلب مشارکت مردمی	
نابرابری اجتماعی	تأثیر نابرابری درآمدی بر پذیرش یا مقاومت نسبت به مالیات
حمایت از افشار آسیب‌پذیر در سیاست‌های مالیاتی	
تطابق نظام مالیاتی با سطح رفاه و عدالت اجتماعی	
نقش نهادهای مدنی و گروه‌های اجتماعی	تأثیر اتحادیه‌های کارگری و اصناف در سیاست‌های مالیاتی
نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در نظارت و شفافیت مالیاتی	
میزان مشارکت عمومی در تدوین قوانین مالیاتی	
سبک زندگی و الگوهای مصرفی	تغییر الگوهای مصرف و تأثیر آن بر نظام مالیاتی (مالیات بر مصرف و کالاهای لوکس)
تأثیر گسترش مشاغل غیررسمی بر وصول مالیات	

نقش دیجیتال شدن اقتصاد در تغییر رفتارهای مالیاتی شهروندان		
شرایط اقتصادی	رشد اقتصادی و ثبات مالی	تأثیر تورم و رکود اقتصادی بر پرداخت مالیات
		میزان وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی نسبت به سایر منابع درآمدی
		تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر تمکین مالیاتی
بخش غیررسمی	اندازه و نقش اقتصاد زیرزمینی در فرار مالیاتی	
اقتصاد و فرار مالیاتی	چالش‌های شناسایی و مالیات‌ستانی از مشاغل غیررسمی	
		تأثیر گسترش فناوری بر کاهش فرار مالیاتی
سیاست‌های مالی و معافیت‌های مالیاتی	تأثیر معافیت‌های مالیاتی بر عدالت مالیاتی	
		میزان تأثیر سیاست‌های تشویقی بر جذب مالیات
		نقش مالیات در توزیع درآمد و کاهش شکاف طبقاتی
توسعه تجارت الکترونیک و دیجیتال شدن اقتصاد	تأثیر ظهور کسب‌وکارهای آنلاین بر نظام مالیاتی	
	چالش‌های مالیاتی در حوزه رمزارزها و دارایی‌های دیجیتال	
		یکپارچه‌سازی مالیات‌ستانی از درآمدهای دیجیتال و سنتی
کارایی و بهره‌وری نظام مالیاتی	افزایش درآمدهای مالیاتی دولت	کاهش فرار مالیاتی و افزایش تمکین مالیاتی
		افزایش دقت در تشخیص میزان مالیات و جلوگیری از تقلب
		کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و بهبود ثبات مالی دولت
کاهش هزینه‌های اجرایی نظام مالیاتی	کاهش هزینه‌های وصول و حسابرسی مالیاتی به دلیل دیجیتال شدن فرآیندها	

کاهش نیاز به نیروی انسانی و کاغذبازی اداری در
سازمان‌های مالیاتی

تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی و کاهش
تأخیرها

افزایش عدالت
مالیاتی و کاهش
ناابرابری اقتصادی

توزیع منصفانه بار مالیاتی میان اقشار مختلف جامعه
کاهش فشار مالیاتی بر اقشار کم‌درآمد و حمایت از
کسب‌وکارهای کوچک

افزایش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی و افزایش
مشارکت مالیاتی

کاهش تنش‌های
مالیاتی

ساده‌تر شدن فرآیند پرداخت و شفاف‌تر شدن قوانین
مالیاتی

کاهش تخلفات اداری و فساد مالیاتی از طریق نظارت
الکترونیکی

امکان پیگیری آنلاین و کاهش نیاز به مراجعه حضوری
به ادارات مالیاتی

کاهش فساد مالیاتی

کاهش امکان تبانی و فرار مالیاتی از طریق داده‌کاوی و
تحلیل اطلاعات مالی

کاهش اقتصاد زیرزمینی

افزایش سطح پاسخگویی نهادهای مالیاتی به دلیل
دیجیتالی شدن فرآیندها

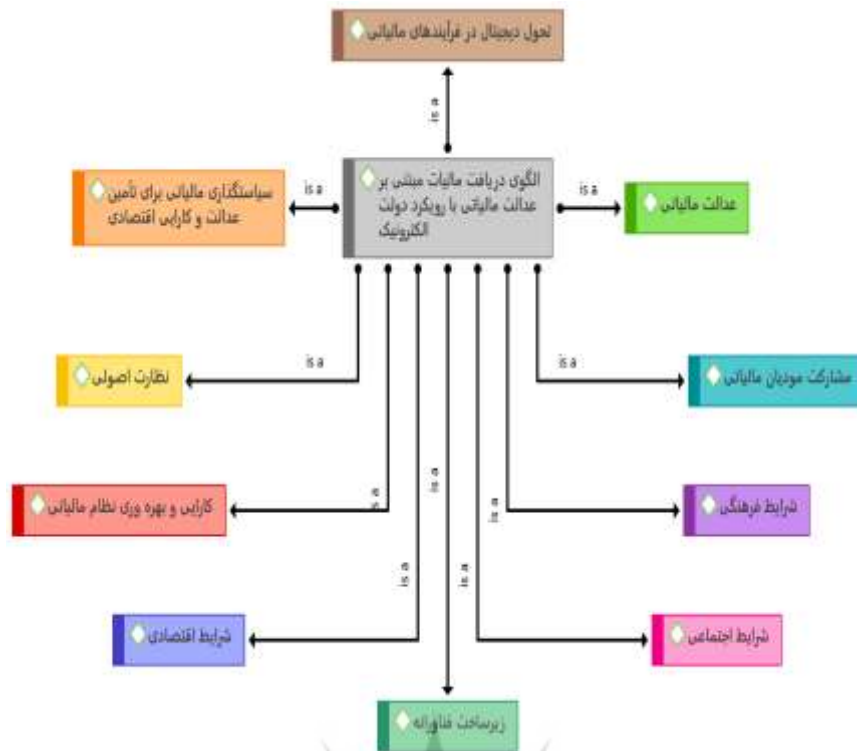
امکان دسترسی عمومی به برخی اطلاعات مالیاتی برای
نظارت مردمی

نوآوری در نظام
مالیاتی

بهینه‌سازی تخصیص منابع مالیاتی برای توسعه اقتصادی
تقویت استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش

مصنوعی و بلاکچین در تحلیل داده‌ها

افزایش سرعت و دقت در تصمیم‌گیری‌های مالیاتی	
نظارت اصولی	نظارت الکترونیکی و استفاده از هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌ها و شناسایی هوشمند بر
فرار مالیاتی	فرار مالیاتی
فرآیندهای مالیاتی	داده‌کاوی و یادگیری ماشین برای تشخیص الگوهای
تقلب مالیاتی	تقلب مالیاتی
نظارت بی‌درنگ و خودکار بر تراکنش‌های مالی	مشکوک
پاسخگویی در	انتشار گزارش‌های دوره‌ای از عملکرد سازمان امور مالیاتی
نظارت مالیاتی	مالیاتی
ایجاد سامانه‌های عمومی برای دسترسی شهروندان به اطلاعات مالیاتی	اطلاعات مالیاتی
تدوین قوانین نظارتی سخت‌گیرانه برای کاهش فساد مالیاتی	مالیاتی
بازبینی و اصلاح	اجرای ممیزی‌های دوره‌ای برای بهبود سیاست‌های مالیاتی
مستمر قوانین مالیاتی	مالیاتی
دریافت بازخورد از مودیان مالیاتی برای کاهش چالش‌های اجرایی	چالش‌های اجرایی
بروزرسانی قوانین مالیاتی متناسب با تغییرات اقتصادی و فناوری	فناوری
نظارت مردمی و مشارکتی بر	ایجاد بسترهای گزارش‌گیری مردمی برای اعلام
فرآیندهای مالیاتی	فرارهای مالیاتی
افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت عدالت مالیاتی	افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت عدالت مالیاتی
توسعه پلتفرم‌های ارتباطی برای تعامل شفاف بین دولت و مودیان	و مودیان



شکل ۱: طراحی و تبیین مولفه های الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک کنترل کیفیت تحلیل تحلیل کیفی انجام شده (خروجی اطلس تی)

تعیین روابط و سطح بندی ابعاد و شاخص ها

در این مرحله، پس از شناسایی ابعاد و شاخص های تحقیق، روابط میان آنها تعیین و اولویت بندی (سطح بندی) می شود. این کار با هدف مشخص کردن اهمیت نسبی هر شاخص و نحوه تأثیرگذاری ابعاد بر یکدیگر انجام می گیرد تا ساختار نهایی مدل تحقیق روشن شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

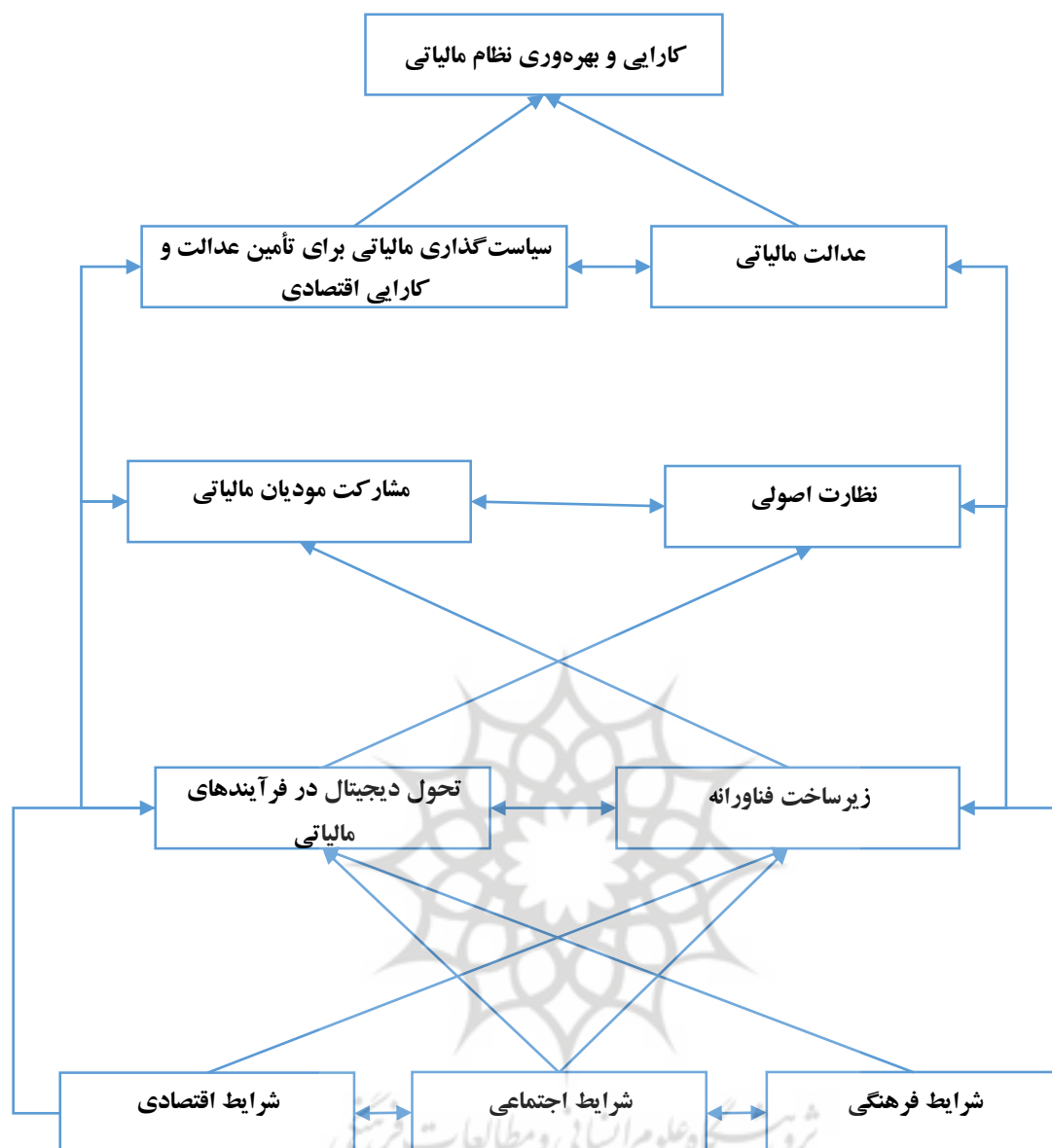
جدول ۳: مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها (اثرگذاری‌ها) برای هر متغیر

مؤلفه	نماد	خروجی	ورودی
عدالت مالیاتی	C1	۳	۹
تحول دیجیتال در فرآیندهای مالیاتی	C2	۷	۵
سیاست‌گذاری مالیاتی برای تأمین عدالت و کارایی اقتصادی	C3	۳	۹
مشارکت مودیان مالیاتی	C4	۵	۷
زیرساخت فناوریانه	C5	۷	۵
شرایط فرهنگی	C6	۱۰	۳
شرایط اجتماعی	C7	۱۰	۳
شرایط اقتصادی	C8	۱۰	۳
کارایی و بهره‌وری نظام مالیاتی	C9	۱	۱۰
نظارت اصولی	C10	۵	۷

برای هر متغیر C_i ، مجموعه دستیابی (خروجی‌ها) شامل متغیرهایی است که از طریق آن قابل دستیابی هستند و مجموعه پیش‌نیاز (ورودی‌ها) شامل متغیرهایی است که بر آن اثر می‌گذارند. پس از محاسبه اشتراک این دو مجموعه، اگر اشتراک برابر با مجموعه دستیابی باشد، آن متغیر در سطح اول قرار می‌گیرد. متغیرهای سطح اول بیشترین تأثیرپذیری را دارند. سپس این متغیرها حذف شده و با تکرار فرآیند، سطوح بعدی مشخص می‌شوند.

جدول ۴: تعیین سطح نخست در سلسله مراتب ISM

نماد	ورودی	خروجی	اشتراک	سطح
C1	C1-C2-C3-C4-C5-C6-C7-C8-C10	C1-C3 -C9	C1-C3	۲
C2	C2-C5-C6-C7-C8	C1-C2-C3-C4-C5 -C9-C10	C2-C5	۴
C3	C1-C2-C3-C4-C5-C6-C7-C8-C10	C1-C3 -C9	C1-C3	۲
C4	C2-C4-C5-C6-C7-C8-C10	C1-C3-C4-C9-C10	C4-C10	۳
C5	C2-C5-C6-C7-C8	C1-C2-C3-C4-C5 -C9-C10	C2-C5	۴
C6	C6-C7-C8	C1-C2-C3-C4-C5-C6-C7-C8-C9-C10	C6-C7-C8	۵
C7	C6-C7-C8	C1-C2-C3-C4-C5-C6-C7-C8-C9-C10	C6-C7-C8	۵
C8	C6-C7-C8	C1-C2-C3-C4-C5-C6-C7-C8-C9-C10	C6-C7-C8	۵
C9	C1-C2-C3-C4-C5-C6-C7-C8-C9-C10	C9	C9	۱
C10	C2-C4-C5-C6-C7-C8-C10	C1-C3-C4-C9-C10	C4-C10	۳



شکل ۲: مدل نهایی تحقیق

یافته‌های کمی

در این پژوهش داده‌ها با پرسشنامه از مدیران شرکت جمع‌آوری و سپس طی فرآیند تجزیه و تحلیل چندمرحله‌ای خلاصه، دسته‌بندی و پردازش شدند. برای آزمون فرضیه‌ها از معادلات ساختاری و تحلیل مسیر با نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS استفاده شده

است. ابتدا آمار توصیفی متغیرها ارائه می‌شود و در ادامه، آزمون فرضیه‌ها و تحلیل نتایج گزارش می‌گردد.

آمار توصیفی (ویژگی‌های دموگرافی پاسخ‌دهندگان)

جدول ۵: آمار توصیفی (ویژگی‌های دموگرافی پاسخ‌دهندگان)

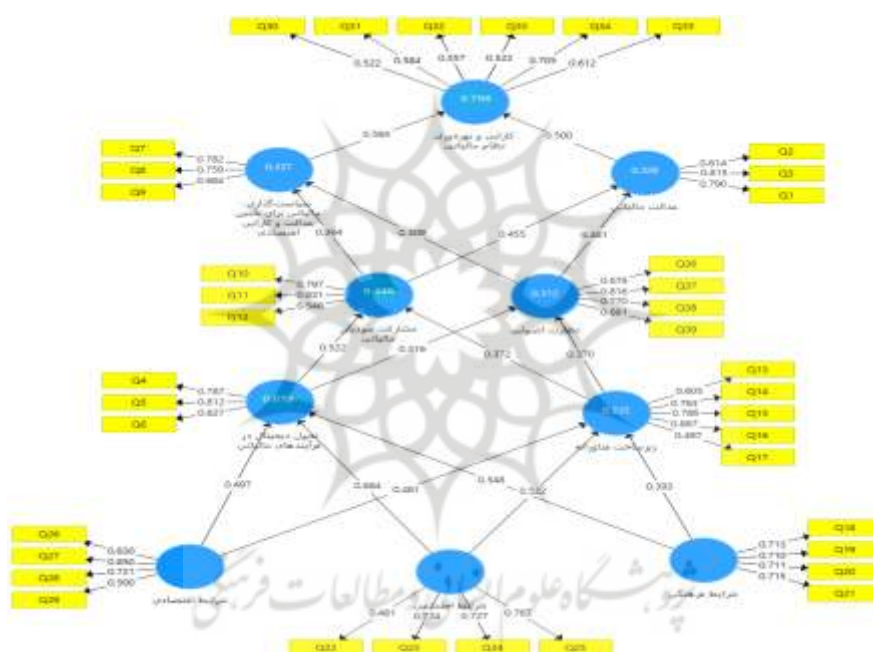
درصد	فراوانی		
۹۰	۶۰۱	مرد	جنسیت
۱۰	۶۷	زن	
۱۵	۱۰۰	بین ۲۵ تا ۳۵	سن
۴۰	۲۶۷	بین ۳۶ تا ۴۵ سال	
۲۶,۳	۱۷۶	۴۶ تا ۵۵ سال	
۱۸,۷	۱۲۵	۵۶ سال و بالاتر	
۴۱,۳	۲۷۵	کارشناسی	تحصیلات
۴۲,۵	۲۸۳	کارشناسی ارشد	
۱۶,۲	۱۱۰	دکتری	
۱۶,۳	۱۰۸	بین ۱۰-۱۵ سال	سابقه کاری
۴۱,۳	۲۷۶	بین ۱۶-۲۰ سال	
۲۱,۳	۱۴۲	بین ۲۱-۲۵ سال	
۱۱,۳	۷۵	بین ۲۶-۳۰ سال	
۹,۸	۶۷	بیشتر از ۳۱ سال	

تکنیک حداقل مربعات جزئی و آزمون فرضیه‌های تحقیق

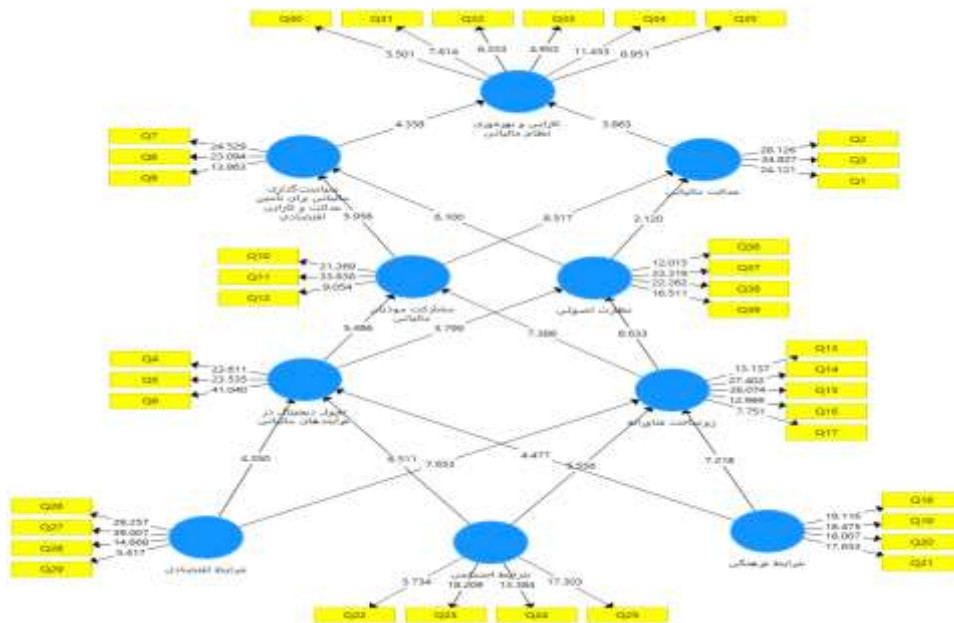
در این پژوهش برای آزمون مدل اندازه‌گیری و فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شده است. این روش به حجم نمونه وابستگی کمتری دارد، نیازمند نرمال بودن داده‌ها نیست و برای کاربردهای واقعی مناسب‌تر از لیزرل و آموس است.

در تحلیل:

- بار عاملی نشان‌دهنده رابطه بین متغیر پنهان و شاخص مشاهده شده است؛ شاخص‌هایی با بار کمتر از ۰,۴ حذف و مقادیر بالاتر از ۰,۷ مطلوب هستند.
- برای بررسی معناداری همبستگی‌ها از روش بوت‌استرپ استفاده شده است؛ در سطح خطای ۵٪ اگر مقدار $t > 1.96$ باشد، همبستگی معنادار است.



شکل ۳: بار عاملی مدل تحقیق (مدل بیرونی)



شکل ۴: آماره تی بوت استرایینگ مدل تحقیق (مدل بیرونی تحقیق)

جدول ۶: روایی همگرا و پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	آلفای کرونباخ	AVE	CR
عدالت مالیاتی	۰,۸۶۵	۰,۵۳۰	۰,۸۰۱
تحول دیجیتال در فرآیندهای مالیاتی	۰,۷۹۰	۰,۵۶۶	۰,۸۶۴
سیاست‌گذاری مالیاتی برای تأمین عدالت و کارایی اقتصادی	۰,۷۳۷	۰,۶۰۱	۰,۷۸۳
مشارکت مودیان مالیاتی	۰,۸۱۱	۰,۶۰۴	۰,۷۶۴
زیرساخت فناوریانه	۰,۸۲۵	۰,۶۳۳	۰,۷۵۸
شرایط فرهنگی	۰,۸۰۳	۰,۶۱۴	۰,۷۹۴
شرایط اجتماعی	۰,۷۸۴	۰,۶۲۸	۰,۷۳۳
شرایط اقتصادی	۰,۷۷۵	۰,۵۷۰	۰,۸۳۲
کارایی و بهره‌وری نظام مالیاتی	۰,۸۵۶	۰,۶۱۱	۰,۸۹۶
نظارت اصولی	۰,۷۳۶	۰,۵۳۵	۰,۸۲۷

جدول ۷: روش فورنل و لاکر

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10
عدالت مالیاتی	۰,۸۹۲									
تحول دیجیتال در فرآیندهای مالیاتی	۰,۵۳۶	۰,۸۹۴								
سیاست گذاری مالیاتی برای تأمین عدالت و کارایی اقتصادی	۰,۷۲۹	۰,۶۰۰	۰,۸۶۶							
مشارکت مودیان مالیاتی	۰,۵۸۲	۰,۶۲۷	۰,۷۳۵	۰,۸۱۰						
زیرساخت فناوریانه	۰,۷۵۳	۰,۵۳۷	۰,۶۳۵	۰,۵۳۷	۰,۸۴۸					
شرایط فرهنگی	۰,۷۸۲	۰,۵۲۶	۰,۶۳۸	۰,۶۲۹	۰,۶۳۶	۰,۸۵۴				
شرایط اجتماعی	۰,۷۱۱	۰,۵۳۸	۰,۶۲۰	۰,۶۶۲	۰,۵۵۶	۰,۵۹۳	۰,۸۹۰			
شرایط اقتصادی	۰,۵۳۷	۰,۳۲۷	۰,۳۳۳	۰,۵۳۵	۰,۷۳۵	۰,۷۱۹	۰,۶۲۸	۰,۸۸۶		
کارایی و بهره‌وری نظام مالیاتی	۰,۶۶۶	۰,۳۸۴	۰,۵۰۰	۰,۷۳۹	۰,۶۳۸	۰,۴۶۴	۰,۵۰۲	۰,۶۳۷	۰,۸۳۴	
نظارت اصولی	۰,۷۲۸	۰,۷۳۸	۰,۳۸۳	۰,۵۲۷	۰,۷۳۹	۰,۴۳۹	۰,۵۵۳	۰,۳۸۸	۰,۶۳۶	۰,۸۳۴

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف طراحی الگوی دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی و رویکرد دولت الکترونیک، در مرحله کیفی از روش تحلیل مضمون استفاده کرده است. از میان ۱۱۸ شاخص اولیه، ۳۹ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازنده و در نهایت یک مضمون فراگیر استخراج شد. در بخش کمی نیز با بهره‌گیری از مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط میان ابعاد و شاخص‌ها و سطح‌بندی آنها مشخص گردید. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که بعد عدالت مالیاتی با بار عاملی ۰,۸۶۵ بیشترین اثرگذاری را دارد.

عدالت مالیاتی به معنای توزیع عادلانه بار مالیات است که بر دو اصل عدالت افقی (برابری در شرایط مشابه) و عدالت عمودی (تناسب مالیات با توان پرداخت) استوار است. طراحی نظام مالیاتی عادلانه باید بر پایه اصولی مانند تناسب در تعیین میزان و زمان پرداخت، سهولت در پرداخت، کاهش هزینه‌های وصول و رعایت توان پرداخت افراد انجام شود. استفاده از دولت الکترونیک در این فرآیند موجب افزایش شفافیت، کاهش فرار مالیاتی و بهبود پذیرش مالیات توسط مودیان می‌شود.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ترکیب عدالت مالیاتی با فناوری دولت الکترونیک، الگویی جامع و کارآمد برای نظام مالیاتی کشور فراهم می‌کند. این الگو علاوه بر افزایش شفافیت و کارایی، به کاهش فساد و تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند. در مقایسه با تحقیقات پیشین که بیشتر بر جنبه‌های قانونی و اقتصادی تمرکز داشتند، این پژوهش با رویکرد دولت الکترونیک ابعاد عملیاتی‌تر و کاربردی‌تری برای بهبود نظام مالیاتی ارائه داده است.

از نقاط قوت این تحقیق می‌توان به نوآوری در پرداختن به عدالت مالیاتی با بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند دولت الکترونیک و استفاده از روش‌های تحلیل مضمون و مدل‌سازی ساختاری اشاره کرد. این روش‌ها امکان استخراج دقیق مفاهیم و روابط میان متغیرها را فراهم کرده و در سیاست‌گذاری‌های مالیاتی کاربردی هستند. در عین حال، اجرای موفق این الگو نیازمند توجه به چالش‌های فرهنگی، قانونی و اجرایی است تا در کنار افزایش شفافیت و کاهش فساد، عدالت مالیاتی به طور مؤثر محقق گردد.

با توجه به اهمیت مقوله عدالت مالیاتی (بار عاملی ۰,۸۶۵)، پیشنهاد می‌شود مولفه‌های ضعیف‌تر با هوشمندسازی نظام مالیاتی، ایجاد زیرساخت‌های الکترونیکی کامل و گسترش بانک‌های اطلاعاتی و سامانه‌های تبادل داده تقویت شوند. همچنین طراحی سازوکارهای

عادلانه مالیاتی و تبیین معیارهای تطابق مالیاتی با رویکرد عدالت و اعتماد به دولت، از جمله شفافیت و مشارکت فعال مودیان، ضروری است تا پرداخت مالیات متناسب با توان اقتصادی افراد و بنگاه‌ها صورت گیرد.

استفاده از فناوری‌های دولت الکترونیک، شامل اتصال به شبکه‌های بانکی و سامانه‌های دولتی، داده‌کاوی و هوش مصنوعی برای شناسایی درآمدهای پنهان، و ایجاد سامانه‌های آنلاین برای اطلاع‌رسانی و استعلام مالیات، می‌تواند شفافیت، کارآمدی و اعتماد عمومی را افزایش دهد. همچنین انتشار گزارش‌های منظم از میزان مالیات و نحوه مصرف آن در پروژه‌های عمومی باعث افزایش تمایل مردم به پرداخت مالیات و جلوگیری از فرار مالیاتی می‌شود. این اقدامات در مجموع عدالت مالیاتی واقعی را تحقق بخشیده و نظام مالیاتی را به ابزاری کارآمد برای توزیع عادلانه درآمد در جامعه تبدیل می‌کند.

منابع

- Abu-Silake, S.A., Alshurafat, H., Alaqrabawi, M. et al. 2022 Exploring the key factors influencing the actual usage of digital tax platforms. *Discov Sustain* 5, 88 (2024). <https://doi.org/10.1007/s43621-024-00241-2>
- Alomari MK, Sandhu K, Woods P. Measuring social factors in e-government adoption in the Hashemite Kingdom of Jordan. *Int J Digit Soc*. 2010;1(2):163–72.
- Barbu, DC., Bâra, A., Oprea, SV. (2024). Impact of Electronic Cash Registers on Tax Collection. In: Ciurea, C., Pocatilu, P., Filip, F.G. (eds) *Proceedings of 22nd International Conference on Informatics in Economy (IE 2023)*. IE 2023. Smart Innovation, Systems and Technologies, vol 367. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-99-6529-8_3
- Buettner, T., & Tassi, A. (2023). VAT fraud and reverse charge: Empirical evidence from VAT return data. *International Tax and Public Finance*, 30, 849–878. <https://doi.org/10.1007/s10797-023-09776-y>
- Dada, D. (2006). The failure of E-government in developing countries: A literature review. *The Electronic Journal of Information Systems in Developing Countries*, 26(1), 1–10.
- Fan, H., Liu, Y., Qian, N., & Wen, J. (2020). Computerizing VAT invoices in China. *National Bureau of Economic Research*. <https://doi.org/10.3386/w24414>
- Gwaro, O., Kimani, M., Kwasira, J.: Influence of online tax filing on tax compliance among small and medium enterprises in Nakuru Town, Kenya. *J. Bus. Manage.* 18(10), 82–92 (2016)
- Kitsios, E., Tovar Jalles, J., & Verdier, G. (2022). Tax evasion from cross-border fraud: does digitalization make a difference? *Applied Economics Letters*. <https://doi.org/10.1080/13504851.2022.2056566>
- Maisiba, JG & Atambo, W. (2016), 'Effects of electronic tax system on the revenue collection efficiency of Kenya Revenue Authority', *Imperial Journal of Interdisciplinary Research*, 2(4), 815–827.

- Marti, OL (2010), 'Taxpayers' attitudes and tax compliance behavior in Kenya', *African Journal of Business and Management*, 1(1), 112-122.
- Mascagni, G., Mengistu, A. T., & Woldeyes, F. B. (2021). Can ICTs increase tax compliance? Evidence on taxpayer responses to technological innovation in Ethiopia. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 189, 172–193.
- Mergel, I. (2016). Agile innovation management in government: A research agenda. *Government Information Quarterly*, 33(3), 516–523.
- Nguyen, N.D., Mac, Y.T.H., Do, H.T.H. (2024). The Impact of Electronic Tax System on Tax Compliance of Vietnamese Small and Medium Enterprises. In: Tran, H.V.T., Shioji, H., Le, H.L.T., Hayashi, T. (eds) *Knowledge Transformation and Innovation in Global Society*. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-99-7301-9_9
- Nkohkwo, Q. N. A., & Islam, M. S. (2013). Challenges to the successful implementation of e-government initiatives in Sub-Saharan Africa: A literature review. *Electronic Journal of e-government*, 11(1), 252–266.
- Heinemann, M., Stiller, W. Digitalization and cross-border tax fraud: evidence from e-invoicing in Italy. *Int Tax Public Finance* (2024). <https://doi.org/10.1007/s10797-023-09820-x>
- Nofal MI, Factors for extending e-government adoption in Jordan. *Period Eng Nat Sci*. 2021;9(2):471–90.
- Omar, A., Weerakkody, V., & Daowd, A. (2020). Studying transformational government: A review of the existing methodological approaches and future outlook. *Government Information Quarterly*, 37(2), Article 101458.
- Poniatowski, G., Bonch-Osmolovskiy, M., & Śmietanka, A. (2020). Study and reports on the VAT gap in the EU-28 member states: 2020 final report. <https://data.europa.eu/doi/https://doi.org/10.2778/2517>. Accessed 17 Aug 2022.
- Saini, S., Pathak, P.: Blockchain technology: challenges and opportunities in the world of indirect taxes. *Turk. J. Comput. Math. Educ.* 12(3), 4473–4482 (2021)
- Setyowati, M.S., Utami, N.D., Saragih, A.H., Hendrawan, A.: Blockchain technology application for value-added tax systems. *J. Open Innov. Technol. Market Complex.* 6(4), 156 (2020)
- Stiller, W., & Heinemann, M. (2023). Do more harm than good? The optional reverse charge mechanism against VAT fraud. Working paper. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.13802.44482>. Accessed 7 Aug 2023.
- Walter, Y. Managing the race to the moon: Global policy and governance in Artificial Intelligence regulation—A contemporary overview and an analysis of socioeconomic consequences. *Discov Artif Intell* 4, 14 (2024). <https://doi.org/10.1007/s44163-024-00109-4>